

قاضي نجم الدين محمود طالقانی
یا
برگی در تاریخ تشیع

شناسنامه کتاب :
نام کتاب : قاضي نجم الدين محمود طالقانی
نویسنده : سید اشرف الدین کیایی طالقانی
چاپ : اول - قائم - قم
حروفچینی : ادب ۲۲۳۸۵
تیراژ : ۳۰۰ جلد
تاریخ چاپ : پاییز ۱۳۷۲
تعداد صفحات : ۲۴ صفحه

« ۱ »

میانه یکی خوب کشتی عروس
بر آراسته همجو چشم خروس
پیمبر بدو اندرون با علی
همه اهل بیت نبی و ولی
اگر خلد خواهی به دیگر سرای
به نزد نبی و وصی گیر جای
گرت زین بدآید گناه من است
چنین دان و این، راه، راه من است
بر این آمدم هم بر این بگذرم
یقین دان که خاک پی حیدرم
« فردوسی »

قاضي نجم الدين محمود طالقانی علاوه بر نور
سیادت، نور علم داشت، نور علی نور بود. هم فرزند
صلبی خواجه دو عالم، محمد مصطفی صلی الله علیه
و آله و سلم و هم فرزند روحانی آن حضرت بودند.
حسن یوسف، ید موسی، دم عیسی داری
آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

« سعدی شیرازی »

« ۳ »

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمدك اللهم على ما وفقتنا بالاهتداء بالانجم
الزاهرة محمد خاتم النبيين وعلى امير المؤمنين و
فاطمة سيدة الصالحات و الصالحين و سيدي شباب
اهل الجنة الحسن و الحسين و الأئمة الهدى و مضاييح
الدجى التسعة المعصومين من ذرية الحسين صلي الله
عليهم اجمعين .

يا فاطمة الزهراء يا بنت محمد يا قرّة عين
الرسول يا سيدتنا و مولاتنا انا توجهننا و استشفعنا و
توسلنا بك الى الله و قدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجهة
عند الله اشفعى لنا عند الله .

خردمند گیتی چو دریا نهاد
برانگیخته موج از او تند باد
چه هفتاد کشتی در او ساخته
همه بادبانها برافراخته

« ۲ »

پدرگرامی قاضی نجم الدین محمود: قاضی
سید علاء الدین حسینی بود که چهار پسران وی
عبارتند از:

الف: قاضی نجم الدین محمود، جدّ سادات
سوهان - گلیرد - زیدشت (طالقان) و سفرخواجه و
قشلاق (آبیگ قزوین) و ...

ب: قاضی میر سید بن علاء الدین صاحب بقعه
و جدّ سادات در سید آباد حسنجون
طالقان .

ج: سید مقصود علی که پسرش سید احمد جدّ
دسته‌ای از سادات اورازان طالقان است .

د: سید موسی که نیای شاخه دیگری از این
سادات می باشد .

قاضی نجم الدین محمود طالقانی در تاریخ:

در وقفنامه‌های قراء سوهان و گلیرد طالقان امیر نجم
الدین الشهیر بجلال قید شده، این سید والا مقام،
همچون امامزادگان شیراز (امیر احمد شاهچراغ و امیر

«۴»

محمد عابد (۱)، ملقب به امیر (مخففش میر بوده)،
بنا بر این از ساداتی است که جاه و مقام دنیایی هم
داشته (۲).

۱ - ر . ک . صفحه ۱۱۵، شهبای پشاور سلطان الواعظین
شیرازی و قدس سره .

۲ - فرمان منسوب به سلطان احمد جلایر، راجع به
بخشودگی عوارض و موقوفات مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی جدّ
سلاطین صفویه (متوفی ۷۳۵ هجری قمری بخاطر آسایش شیخ
صدرالدین موسی پسر اوست که در ذیقعد ۷۷۳ هجری قمری به
حکام و مأموران دولتی صادر شده است .

پاورقی صفحه ۱۱ در ذیل آن فرمان:

« شادروان قزوینی می‌آویسد: در این ایام مرسوم چنین بوده که
سیدی را که جاه و مقام دنیایی نیز داشته باشد، به القابی مانند:
الامیر، الامام یا الشیخ الاجل، یا المرتضی الاعظم، یا سلطان العترة
یا جلال الاشرف و غیره یاد کنند .»

نقل از صفحه ۱۱ پاورقی یکصد و پنجاه سند تاریخی از
جلایریان تا پهلوی به کوشش سرهنگ جهانگیر قائم مقامی دکتر در
تاریخ، چاپ ارتش شهریور ۱۳۴۸ خورشیدی .

ذیل: گاه به سامات شیخ گفته می‌شود، مانند:

۱ - شیخ الشرف عیدلی نسابه، صاحب کتاب تهذیب الانساب .

۲ - به اساتید اجازات هم شیخ گفته می‌شود .

۳ - میر سید شرف الدین نسابه، شیخ الشرف بغداد .

(ر . ک . صفحه ۹ جلد اول الشجرة الطیبه سید فاضل موسوی
صفوی خلخالی زاده) .

«۵»

در کتب مذکور پاورقی (۱) محترمانه ذکر گردیده
است .

شیخ و استاد قاضی نجم الدین محمود: ابن

ابی جمهور احسانی از فقهای نامی شیعه سنه ۹۰۰
هجری و صاحب تألیفات نفیس، می باشد که حضرت
آیت الله نجفی مرعشی «ره» ضمن درس بارها وی را
مورد تعظیم و تقدیر قرار می دادند و می فرمودند:

« جمع تبرعی، بین روایات می کرد تا روایات رد
نشود [الجمع مهما ممکن اولی] مبنای فقهی او بود .»

غوالی الثالی یکی از کتب اوست .

شرح آن عوالی الثالی از سید جزائری است .

اقطاب الفقهیه دیگر تألیفات ایشان است .

در کتب مربوط به اجازات (۲) و علم رجال خیلی

۱ - الف: ر . ک . به بحارالانوار مجلسی، ج ۱۰۸، ص
۱۴، چاپ اسلامیة تهران .

ب: صفحه ۷۴ و ۷۵ هدایة الزائرین، حاج بیوک آقا واعظ
تبریزی، چاپ اول .

۲ - ر . ک . به مشجره علمای امامیه با مقدمه آیت الله العظمی
نجفی مرعشی، ناشر چاپخانه دانشگاه، خرداد ۱۳۳۸ .

«۷»

و همچنین در آن وقفنامه‌ها به شرف الدین هم
ملقب اند .

۴ - سادات شیخ الاسلامی که در بسیاری از نقاط موجودند.
گاه در روایات به حضرت امام موسی بن جعفر سلام الله علیه شیخ
گفته شده، از جمله: ج ۲ وسائل الشیعه، صفحه ۶۰۰، حدیث
۱۲ چاپ اسلامیة .

شیخ صفی الدین اسحاق اردبیلی، جدّ سادات صفویه .
شجره‌ای از شیخ صفی الدین اردبیلی، رجوع کنید صفحه ۳۶ و
۲۷ خاندان سادات گوشه از سید محمد علی امام .
آیت الله نجفی مرعشی «رحمة الله تعالی علیه» در حاشیه‌ای بر
کتاب مجمع التواریخ میرزا محمد خلیل مرعشی صفوی چاپ عباس
اقبال فرموده: نسب خود را مادری که به سلاطین سادات صفوی
می‌رسند بیان داشته‌اند .

و نیز در خصوص سیادت صفویه ر . ک . به جلد اول و دوم همان
الشجرة الطیبه سید فاضل صوفی موسوی خلخالی زاده .
و نسخه خطی سرگذشت امامزادگان ری از علی قلی میرزای اقتصاد
السلطنة قاجار به شماره ۱۰۱ ج کتابخانه دانشکده ادبیات تهران .
و بسیاری از کتب خطی و مطبوع مربوط به علم انساب .
بنا بر این بجاست که آنانکه منکر سیادت سادات صفوی هستند
بگویم:

این همه غوغا و خوابت می‌برد .

الشیخ:

« ... فکان یطلق علی بعض کبار العلماء و علی الوزراء و رجال
الکتاب و المحتسبین و بعض الملوک و الکتاب من غیر المسلمین ... »
صفحه ۲۶۶ القاب الاسلامیه، دکتر حسن الباشا، چاپ مصر .

«۶»

شاخص است و در اجازة ای که برای قاضی نجم الدین محمود طالقانی نوشته بسیاری از مفاهیم علمی و اخلاقی را در جملات کوتاه بیان کرده، به مقام سیادت شاگرد خود (قاضی نجم الدین) ارج نهاده، همان چند صفحه اجازة یک فرهنگ اسلامی است (۱).

محمود الطالقانی : شرف الدین ابن علاء الدین ابن جلال الدین الطالقانی مولداً و الهاشمی انتساباً، من تلامیذ محمّد بن اَبی جمهور الاحسانی (ص ۲۱۳ - ۲۱۴) و قد کتب له اجازة صورتها فی آخر البحار (ج ۱۰۵ ص ۱۳ - ۱۷) و فی ذیل الاجازة وصیة زائدة من ربیع بن جمعة العبری العبادی الحویزی للمترجم له، قال فیہ : [و ازیدک فائدة أخرى و هی : ایاک ...] و تاریخ الوصیة الزائدة أوائل ج ۱ - ۹۱۲ (ص ۸۶).

و نیز رجوع کنید به احیاء الدائر، طبقات اعلام الشیعة ۱۰.

۱ - همان جلد ۱۰۸ بحار الانوار مجلسی، صفحه ۱۲.

« ۸ »

« اجازة روایتی قدما اجتهاد بود » (۱).
در بین شاگردان ابن ابی جمهور بطور قطع و حتم قاضی نجم الدین با شیخ ربیعة بن جمعه مرتبط بوده اند.

« یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات ».

« عن ابی عبد الله علیه السلام : قال : اذا اراد الله بعبد خیراً ففقه فی الدین » (۲).

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه بشکست عهد صحبت اهل طریق را گفتم : میان عالم و عابد چه فرق بود تا اختیار کردی از آن این فریق را گفت : آن گلیم خویش بدر می برد ز موج وین جهد می کند که بگیرد غریق را (۳).

۱ - ر. ک. صفحه ۶۶ رحلت دومین سالگرد محمّد حسین نجفی.
۲ - اصول کافی کلینی، حدیث سوم کتاب فضل العالم.
۳ - حکایت ۳۸، باب دوم گلستان سعدی شیرازی.

« ۹ »

چه خواهی که نامت بود جاودان
مکن نام نیک بزرگان نهان (۱)
« زاد دانشمند آثار قلم »
« مثنوی مولوی »

اجازة

الشیخ محمّد بن اَبی جمهور الاحساوی
المذکور للشیخ ربیعة (۲) بن جمعة رحمهما الله تعالى.

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل من جملة طرق المسلمين و هداية المؤمنين و الوسيلة الى حبل الله المتين، و الموصل الى المنهل المعين، سنن المرسلين سيما سنة سيد البشر و شافع يوم المحشر، محمّد بن عبد الله بن عبد المطلب بن عبد مناف الصادق المطهر عليه و

۱ - بوستان سعدی شیرازی.

۲ - قال العلامة الرازی : ان الشیخ ربیعة بن جمعه العری العبادی الجزیری کان تلمیذ الشیخ محمد بن اَبی جمهور المقدم و کتب بعض وصایا فی آخر الاجازة مضافاً الى وصایا شیخه المميز و تاریخ کتابة الشیخ ربیع سنة ۹۱۲ - الذریعة ج ۱ ص ۲۴۲.

« ۱۰ »

على آله من الصلوات أكملها و من التحيات أفضلها، و سنة آله المطهرين أهل الوراثة و الخلافة من بعده الذین أذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً. و بعد وفق الله العظيم ذوالمن الجسيم و الفضل العميم صاحب الرياسة و السيادة الذي تسنم من الشرف على أعلى معاقده، و استعلى من المجد على أرفع مقاعده، انسان شخص الكلام و الكمال، و انسان عين الفضائل و الافضال، السيد الاجل، و الكهف الاظل العالم العامل و الحبر الهمام الكامل مقرر المعقول و المنقول، الخائض في بحر الفروع و الاصول الذي له الاخلاق و السيرة الحسنة المرضية فاق بالسهم المعلى و الطالع البهي المجلى، السيد الاكمل الاعلم التقى النقى الاورع الاعظم، الجامع لجوامع الفضائل و الشيم، شرف الدین محمود بن السيد الحسينب النسيب السيد علاء الدین ابن المرحوم المبرور السيد جلال الدین الطالقانی مولداً و القاشی محتداً أن قرء على جملة من كتب الاصحاب اصولها و فروعها، و هي نهاية المرام، و التهذيب، و مبادئ الوصول، و التنقيح، و ايضاح

« ۱۱ »

القواعد، والقواعد، والتحرير، و شرح التجريد من الكلام، و امور العامة من المواقف و شرح الطوابع للاصفهاني و الجلد الاول من الطبرسي، و الخلاف، و النهاية، و شرحي النظم و كتاب الرجال و شرح مفتاح السيد، و المطول.

و هذه للسنة القويمة و الطريقة المستقيمة في ضمن هذا الكتاب، و هو كتاب اللثالي العزيمية في الاحاديث النبوية و الامامية في تصانيفي من اولها الى آخرها قراءة تشهد بفضله و غزارة علمه و جودة فهمه و قوة حزمه، و قد سأل في خلال قرائته و اوان مباحثته عما أشكل و استعجل لديه فأجبتة بالجواب الوافي و الكشف اللايح الشافي، مع قصر باعي، و قلة متاعي.

و قد أجزت للسيد المذكور دام ظله رواية ما ذكرت من الكتب و هذه السنة، عنى عن شيوخى، عن مشايخي رضوان الله عليهم عن أئمة الهدى، عن النبي المصطفى عليهم الصلاة و السلام، عن جبرئيل، عن رب السماء، فليرو ذلك لمن شاء و أحب محتاطاً متحريراً لى و له على الشرايط المعتمدة عند

« ١٢ »

أهل الرواية، فانه أهل لذلك و مستحقه، فاشترطت عليه زيد عمره أن لا ينساني في خلواته و لا عقيب صلواته من الدعاء الصالح للاولى و العقبى، و أن يلاحظ ما أوصيته به من رعاية العلم و حامله.

وصيته : و عليك برعاية العلم و القيام بخدمته، و اياك و تدنسه بالطمع و الخرق، فتهتك بذلك حرمته، كما قال بعض العارفين، العلم من شرطه لمن خدمه أن يجعل الناس كلهم خدمه، و أوجب صونه عليه كما يصون من عاشى عرضه و دمه فوصنه يا أخى كل الصيانة، و أقم جاهه من الاجتهاد فى الديانة، و عليك بالجد فى طلبه و تحصيله، و لا تمل من السؤال عنه لتكميله، فقد روى عنه صلى الله عليه و آله أنه قال صلى الله عليه و آله لو علم الناس ما فى العلم لطلبوه ولو بسفك المهج، و قال أيضاً : طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة، و قال ايضاً : اطلبوا العلم و لو بالصين، و قال ايضاً : يا على من لا يعلم خرج اذا سال عما لا يعلم.

و اياك و كتمان العلم و منعه من المتعلمين فقد قال الله تعالى « و اذ اخذ الله ميثاق الذين اوتوا

« ١٣ »

الكتاب لتبينه للناس و لا تكتمونه » و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : « اذا ظهرت البدع فى امتى فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله » و قال : ايضاً من كتم علماً نافعاً لجمه الله بلجام من نار، و قال على عليه السلام : ما اخذ الله على الجهال أن يتعلموا حتى اخذ على العلماء أن يعلموا.

و اياك أن تبدله فى محل المنع، و انه عند الكل مذموم، قال سيد البشر صلى الله عليه و آله : لا تؤتوا الحكمة غير أهلها فتظلموها، و قال ايضاً : لا تلقوا الدر بأفواه الكلاب، و قال بعض أهل الفحص :

و من منع المستوجبين فقد ظلم و عليك باكثره الدرس و المذاكرة فان العلم ميت و احياءه الدرس، و الدرس ميت و احياءه المذاكرة، قال جعفر بن محمد الصادق عليه السلام : تلاقوا و تحادثوا و تذاكروا فان فى المذاكرة احياء أمرنا رحم الله امرءاً أحيأ أمرنا.

و عليك بالحفظ و التذكار، فان خير العلم ما حواه الصدر، قال بعضهم :

« ١٤ »

انى لاكره علماً لا يكون معى

اذا خلوت به فى جوف حمام
فكن فى جميع الاحوال مراعيأ له مقبلاً عليه،
فان آفة العلم النسيان، و لا تتكل على جمعه فى
الكتب فانه موكل ضايح كما قيل :

لا تفرح بجمع العلم فى كتب
فان للكتب آفات تفرقها
النار تحرقها و الماء يغرقها
و اللبث يمزقها و اللص يسرقها
و اذا أنعم الله عليك بتلك النعمة الجليلة و اقتناء
تلك الفضيلة، حافظ معها على تقوى الله و ترك
محارمه، لان ارتكاب معاصيه موجبة لزوال النعم كما
قيل :

اذا كنت فى نعمة فارعها
فان المعاصى تزيل النعم
و دوام عليها بشكر الاله

فان الاله شديد النقم
و قال النبي صلى الله عليه و آله : آدم الطهارة
يدم عليك الرزق.

« ١٥ »

و اوصيك بما يتعلق باستادك و معلمك و هو أن تعلم اولاً أنه دليلك و هاديك و مرشدك و نايك، بل هو القائم باصلاحك و الساعى بهدايتك و صلاحك، و الذى كد نفسه فى دلالته الى الطريق حتى عرفت مسلك الحق بالتحقيق، و صرت من أهل الهداية و التوفيق، فهو الاب الحقيقى و المربى المعنوى و المنعم الثانى، فقم بحقه كل القيام، و نوه بذكره بين الانام، و اكثر فى احترامه الاهتمام، تسلم من العقوق الذى هو من الجرائم العظام.

وكن مطيعاً لامره و نهيه لما قال سيد العالمين : « من علم شخصاً مسئلة ملك رقه » فقيل له : ايبيعه ؟ قال : لا و لكن يأمره و ينهاه » و استفتته منه فانه مأمور بأمره منهى بنهيه، و قد ورد برعاية حقوق الشيخ و عذها، و هى اذا دخلت مجلسه فق بالسلام، و خصه بالتحية و الاكرام، و تجلس أين انتهى بك المجلس و تحتشم مجلسه، فلا تشاور فيه أحداً، و لا ترفع صوتك على صوته، و لا تغترب أحداً بحضورته.

ومتى سئل عن شئ فلا تجب أنت حتى يكون

« ١٦ »

هو الذى يجيب، و تقبل عليه و تصغى الى قوله و تعتقد صحته، و لا ترد قوله، و لا تكرر السؤال عند ضجره، و لا تصاحب له عدواً و لا تعادى له ولياً، و اذا سألته عن شئ فلم يجبك فلا تعيد السؤال.

و تعودة اذا مرض، و تسأل عن خبره اذا غاب، و تشهد جنازته اذا مات، فاذا فعلت علم الله انك انما قصدته لتستفيد منه تقرباً الى الله، و طلباً لمرضاته و اذا لم تفعل ذلك كنت حقيقاً أن يسلبك الله العلم و بهاءه.

و هذه وصيتى اليك، و الله وكيلى عليك، و هو حسبى و نعم الوكيل.

كتبه المجيز الفقير الى الله الغنى محمد بن على بن ابراهيم بن أبى جمهور الاحساوى.

صورة ما كتب :

و كتب تلميذه الشيخ الجليل ربيع بن جمعة بعد قوله : « أن يسلبك الله العلم و بهاءه » و أزيدك فائدة اخرى، و هى اياك اذا ما اعطاك الله ببركة الشيخ و بسبب ملازمته شيئاً من أبواب العلم أن تعتز بما

« ١٧ »

عرفته، فتكفى بما [فهمته] عن ملازمة الشيخ و التردد اليه، و الخدمة له و القيام بين يديه، فربما خيل الشيطان فى قلبك أن تزعم أن ما مع الشيخ قد عرفته، و جميع ما لديه أتقنته، فما عندي يكفينى، و ليس مع الشيخ ما يغنينى، فان هذا الخيال من المهلكات، بل من وساوس الشيطان المرديات، فانك لمن تصل الى مرتبته، و لا ظفرت بدرجته الا و قد وهل شيخك الى ما هو أتم و أعلى بما أعطاه الله، لان ثمرة العلم تزداد بالانفاق كما أشار اليه أمير المؤمنين عليه السلام « يا كميل العلم يزداد بالانفاق منه و المال ينقص بالانفاق منه » فلاتحقرن بالملازمة مادمت قادراً عليها.

با تشكر از حجة الاسلام آقا سيد علاء الدين بن سيد محبى الدين علوى طالقانى، كه ما را به اين اجازه آگاهی دادند.

ترتبت مطهر قاضى نجم الدين محمود :

برابر فرمایش، حجة الاسلام آقای سيد حبيب الله

« ١٨ »

میر سید قاضی (۱) به نقل از معمرین سادات طالقان، مدفن قاضی نجم الدین محمود درقریه یسوک واقع است. وقتی از مسیر کوههای سوهان، در یک سفر دو روزه، به همراه قاطرچی به آنجا رفتم، اثری از مزار مزبور ندیدم. ده فوق اکنون جزو الموت و در گذشته محدوده طالقان بود. موقعیت آن، از لحاظ ارتباطی بین طالقان و تنکابن، در سفرهای زمستانی مناسب است. بقاع و مراقد بسیاری از سادات و بزرگان در آنجا موجود است. سادات ورشنيق هر یک دارای گورستان جدا، از همدیگر می باشند.

نسل قاضی نجم الدين محمود :

سيد علاء الدين پسر فاضل او در دستگاه خان احمد اول گیلانی (۲) از سلسله کيائيه گیلان - که مرکز حکومتش لاهیجان بود - در شمار علما و فضلاى آنجا انجام وظیفه می کرد. چون آن بیت مجمع علما و

۱ - حفيد قاضى مير سيد بن سيد علاء الدين الحسينى سابق الذكر.

۲ - مشجره خان احمد را در جلد دوم الشجرة الطيبة سيد فاضل موسوى صفوى خلخالى (الله ملاحظه فرمائيد).

« ١٩ »

دانشمندان و هنرمندان و شاعران بود. این سید علاء الدین یکی از این ستارگان فضل و دانش است که مورد توجه و احترام مرحوم خان نامبرده واقع گشته، و قریه سوهان طالقان را برای او و نسلش تا توالدوا و تناسلوا وقف نموده، از عبارات آن وقفنامه معلوم می شود که از چهره های درخشان و ارزنده تاریخ تشیع و دارای مقام نقابت سادات هم بود.

جناب حجة الاسلام آقا سید طالب الخوڑسان - از اعقاب سید علی خان مدنی شیرازی (۱) و از وجوه افاضل حوزه علمیه قم - در اجازهای، برای این اقل السادات، قاضی نجم الدین محمود طالقانی را از آباء محترم کاتب الحروف، مرقوم فرموده اند.

اولاد قاضی نجم الدین معاصرو:

سادات سالخورده سوهان، که نویسنده درک محضرشان را نموده، اکنون به امید رحمت حق در گورستان سوهان - اکثرشان - آرمیده اند، اعقاب ایشان بوده، که برای امزار معاش آبرومندانانه تلاش می کردند،

۱ - ر. ک. صفحه ۱۹، جلد اول همان الشجرة الطیبه.

در قرائت قرآن - مرثیه خوانی - معلمی اطفال - کشاورزی - دامداری و مشاغل اداری توفیق داشتند. این ذراری حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها موقوف علیهم سوهان و گلیرد طالقان و گرفتار آزار و توهین موقوفه خواران بودند.

طبق مدارک و اسناد معتبر شرعی مطالبه مال الاجاره و قفیه می نمودند.

از فیض زیارت امامزاده ابراهیم کشرود طالقان و رفتن با دسته سینه زنی روز عاشورا به آن آستانه مقدس، بهره داشته، در رعایت این سیره نهایت مواظبت می کردند. نامشان بدین قرار است:

سید داداشی - سید عزیز الله - سید شفیع - سید میر بزرگ - سید میر محمد علی - سید احمد بن سید ابوالقاسم - سید حسین بن سید جلال - سید ابوالفضل و سید ابراهیم پسران سید آقا - حاج سید یحیی - سید یوسف - کربلایی سید محمود ثریا - کربلایی سید مصطفی ابن سید علی اکبر امام جمعه - کربلایی سید حسن - سید عیسی خان وکیل دادگستری - سید ابراهیم بن میر افضل - سید حمزه

بن سید شجاع - سید نقیب بن سید رضا - سید محمد بن سید خلیل.

مرحوم والد ایشان را احترام، و عمو می خواندند. بعضی سنگ گورهای نیاکان این سادات را در قبرستان سوهان یافته و عکسبرداری هم نموده ام. مشاهیر و مشجره و مهاجرین این سادات را در دیگر آثار خویش نگاشته ام.

با شادروان دانشمند گرامی آقای حاج سید محمود بن سید ابوالحسن طالقانی و مرحوم آیه الله حاج سید محی الدین طالقانی و برادرش آقا سید شرف الدین، قریه گلیرد، مباحثات داشته، و از افادات آنان در خصوص وقفیه سوهان گلیرد و سادات مربوطه، مستفید گشته ام.

نسب نامه سادات گلیرد:

مرحوم آیت الله سید محیی الدین مرقوم در دستنوشته ای این چنین فرمودند:

« سید خلیل بن سید علی آقا بن سید محمد ابن سید علی بن سید یوسف ابن سید جعفر ابن سید سلیم

ابن سید جعفر

سید مهدی بن سید مسیح بن سید محمد بن سید

حسین بن سید سلیم بن سید طاهر بن سید سلیم بن

سید جعفر بن

سید محیی الدین بن سید کاظم بن سید محمد

حسین ابن سید ابوالقاسم بن سید صفی بن سید

معصوم بن سید سلیم بن سید جعفر

سید طاهر بن سید میرزا آقا بن سید بزرگ بن سید

اسمعیل بن سید طاهر بن سید سلیم بن سید جعفر ..

سید زین العابدین بن سید اشرف ابن سید زین

العابدین بن سید عبدالله بن سید جعفر ابن سید سلیم

بن سید جعفر

سید ربیع بن سید تقی بن سید عظیم بن سید

حسن بن سید سلیم بن سید جعفر بن سید طاهر بن

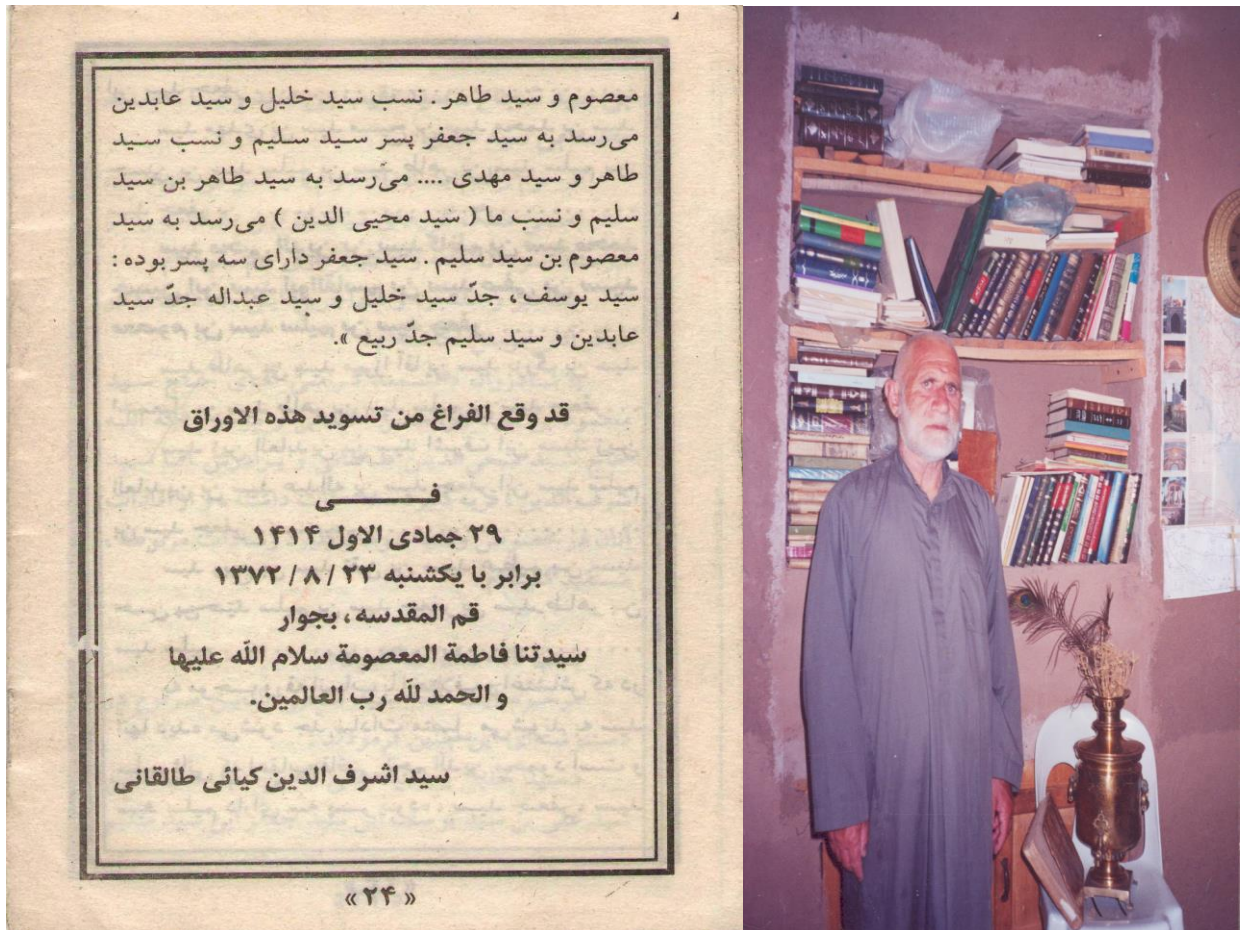
سید سلیم

به موجب ورقه انساب با اختلاف و اغتشاش که در

آنها دیده می شود جد سادات متصل می شوند به سید

سلیم ثانی که اعقاب قاضی نجم الدین محمود است و

سید سلیم دارای سه پسر بوده، سید جعفر، سید



مرحوم سید اشرف الدین کیایی طالقانی

